

دو فصلنامه علمی - ترویجی
سال چهاردهم - شماره پیاپی 45
بهار و تابستان 93

تبیین مبانی نظام احسن در رهیافت فلسفی با تأکید بر نوآوری‌های علامه طباطبائی*

قربانعلی کریم زاده قراملکی**
سکینه محمدزاده***

چکیده

مسئله نظام احسن یکی از مسائل بنیادی در نظام‌های الهیاتی به ویژه در فلسفه و کلام اسلامی به شمار می‌آید. بر اساس اعتقاد به نظام احسن، جهان موجود از میان تمام جهان‌هایی که امکان خلق آن‌ها وجود داشته است، بهترین جهانی است که خلق شده است که از جهت کمیت و کیفیت، بهتر از آن امکان تصور وجود نداشته است. بحث نظام احسن در حکمت اسلامی با سه مسئله دیگر ارتباط تنگاتنگ دارد و این بحث را می‌توان در مرکز ثقل مثلثی دانست که رأس آن، علم باری تعالی و عنایت الهی و مسئله شراست. البته مسئله شراور به عنوان شبهه نظام احسن مطرح شده است که حکماء متأله، پاسخ‌ها و راه‌حل‌های متعددی به این شبهه داده‌اند. مقصود از عنایت الهی، تجلی لطف او در ایجاد و

تاریخ پذیرش: 93/5/20

تاریخ دریافت: 93/2/10

** استاد بار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز

g.karimzadeh@tabrizu.ac.ir

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد کلام اسلامی دانشگاه تبریز sabafk70@gmail.com

اعطای بهترین صورت کمالی به موجودات بر اساس علم و حکمت و خیریت خدای سبحان است. بنابراین مبانی نظام احسن عبارتند از: علم باری تعالی، حکمت الهی و خیر خواهی محض که این صفات و ویژگی‌ها در حق تعالی باعث می‌شود، تجلی فیض او به هر موجودی به صورت کامل و بهترین شکل باشد. مرحوم علامه طباطبایی به عنوان یکی از بزرگترین فلاسفه متأخر، با تأمل در نظام احسن و مبانی آن، به نکات دقیق و ارزشمندی اشاره نموده است. این مقاله با جهت‌گیری توصیفی و تحلیلی به تبیین این مسأله در رهیافت فلسفی و کلامی و بیان دیدگاه‌ها و نوآوری‌های علامه طباطبائی در خصوص این مسأله می‌پردازد. توصیف و تبیین این مطلب، مهم‌ترین یافته تحقیق است.

واژگان کلیدی: علم باری تعالی، خیر خواهی محض، حکمت الهی، عنایت الهی، نظام احسن.

1- طرح مسأله

مسأله نظام احسن یکی از مسائل بنیادی در نظام‌های الهیات به ویژه در فلسفه و کلام اسلامی به شمار می‌آید. مقصود از نظام احسن این است که جهان موجود از میان تمام جهان‌هایی که امکان خلق آن‌ها وجود داشته است، بهترین جهانی است که انتخاب شده است و از جهت کمیت و کیفیت، بهتر از آن امکان تصور وجود نداشته است. حال برای اثبات و تبیین دقیق این مسأله باید، در ریشه‌ها و مبانی آن تأمل کرد. بحث نظام احسن در حکمت اسلامی با سه مسأله دیگر ارتباط تنگاتنگ دارد و این بحث را می‌توان در مرکز ثقل مثلثی دانست که رأس‌های آن را علم باری تعالی و عنایت الهی و مسأله شرّ دانست. البته مسأله شرور و رابطه آن با نظام احسن به عنوان یکی از شبهات مهم مسأله مطرح شده است که از سوی حکماء متأله پاسخ‌های مختلفی به این شبهه داده شده است که ما در این مقاله به این شبهه اشاره نخواهیم کرد. مقصود از عنایت الهی، تجلی لطف او در ایجاد و اعطای بهترین صورت کمالی به موجودات است. حکماء متأله، عنایت الهی را بر اساس علم و حکمت و خیریت خدای سبحان تبیین نموده‌اند. این مقاله، به تبیین اصول و مبانی نظام احسن در رهیافت فلسفی بر اساس علم، حکمت و خیرخواهی خدای سبحان می‌پردازد و در ضمن مباحث، به نوآوری‌های مرحوم علامه طباطبائی به صورت مورد پژوهانه نیز اشاره می‌نماید.

2. تبیین مبانی فلسفی نظام احسن

همان گونه که گفته شد علم و حکمت و خیرخواهی واجب تعالی، مبانی نظام احسن را تشکیل می‌دهند. در این قسمت از پژوهش به تبیین این مبانی می‌پردازیم.

2-1. علم واجب تعالی

ابن سینا که از متقدمین بزرگ فلسفه اسلامی است، علم عنایی واجب تعالی را دارای سه ویژگی فراگیری آن نسبت به همه موجودات، آگاهی به اینکه نظام احسن بهترین و عالیترین نظام موجودات است و آگاهی به اینکه نظام احسن برخاسته از احاطه علمی او بر این نظام است، می‌داند (بهشتی، 1383: 9). بنابراین از نظر ابن سینا علم واجب تعالی مبدأ فیض رسانی به نظام احسن است که در نهایت کمال است و هر موجودی در وجود خود وابسته و ناشی از علم الهی است¹ (ابن سینا، بی تا: 403). ملاصدرا هم علم خداوند را عین عنایت ازلیه او می‌داند و علم را عبارت می‌داند از انکشاف ذات واجب تعالی بر ذاتش به صورتی که همه خیرات و فضائل وجودی و ذاتی او بر ذاتش آشکار شود و همین منشأ صدور افعال از واجب تعالی می‌گردد (ملاصدرا، 1360، ج 4: 39). خواجه نصیرالدین طوسی هم در جهت تأیید سخن ملاصدرا، علم خداوند را سبب و علت تام نظام کل می‌داند² (خواجه طوسی، بی تا، ج 3: 363). هم چنین میر داماد و ملاصدرا و خواجه نصیرالدین طوسی، بر این باورند که هر چه در نظام هستی وجود دارد، از صدر تا ساقه همه و همگی ناشی از علم حق تعالی است و واجب تعالی نسبت به همه آنها علم حضوری دارد (محقق سبزواری، 1288، 140-141) و علم خداوند به هیچ عنوان کثرت بردار نیست (میرداماد، به اهتمام نورانی، بی تا: 168). علامه طباطبایی علم واجب تعالی را در سه مرتبه علم واجب تعالی به ذات خود، علم واجب تعالی به مخلوقات در مرتبه ذات و علم واجب تعالی به مخلوق در مرتبه مخلوق می‌داند. بنابراین از نظر ایشان واجب تعالی در مرتبه ذاتش به ذات خود علم دارد و به موجودات دیگر و مخلوقاتش علم پیش از آفرینش دارد و این علم او به موجودات، علمی است اجمالی که در عین کشف تفضیلی است. علم

الهی در نظام احسن شامل همه علوم و مراتب موجودات اعم از مجردات عقلی و مثالی و مادی است و به صورت کامل و جامع کل ممکنات و مخلوقات را در بر گرفته است. بر این اساس است که واجب تعالی سمیع و بصیر است و عالم است به شنیدنی‌ها و دیدنی‌های جهان هستی و مخلوقات (طباطبایی، 1387، ج 3: 299-297). چرا که علم واجب تعالی علمی است حضوری و اشراقی و انکشافی است شهودی که بر نفس خود آگاهی دارد و از هر چیزی در نظام هستی از جزئی‌ترین تا کلی‌ترین آن‌ها علم و آگاهی دارد (اردکانی، بی تا: 655). چرا که واجب تعالی موجودی است صرف الوجود و مجرد و ذاتش برای خودش آشکار است و در نتیجه هیچ حدی ندارد و هیچ وجودی و کمال وجودی از او بر کنار نیست. بنابراین هر وجود و هر کمال وجودی که در جهان خلقت است به طور اشرف نزد خداوند حاضر و آشکار است و هیچ چیز از علم او به دور نیست³ (طباطبایی، 1388: 208) و این آگاهی از ذات برای واجب تعالی بدون هیچ گونه ابزار و آلتی است (تهرانی، بی تا: 15). وقتی ثابت شد که واجب تعالی عالم بالذات است شکی باقی نمی‌ماند که صدور معلولات از ذات واجب تعالی به مقتضای ذاتش بر اساس نظم و ترتیب خواهد بود و این نظم و ترتیب وابستگی موجودات از صادر اول گرفته و وسائط و تا صادر آخر، نشان از علم واجب تعالی به نظام اتم و اکمل است و ذات واجب تعالی از ازل تا به ابد، عالم به جمیع اشیاء بوده و خواهد بود (شهروزی، بی تا، ج 3: 505). بر اساس نظم و ترتیب و وابستگی علی و معلولی بین موجودات، این نتیجه بدست می‌آید که موجودات این عالم بر اساس علم و اراده‌ی خداوند به وجود آمده‌اند نه بر اساس صدفه و اتفاق. ترتیب وجودی که بین موجودات برقرار است، چون وابسته به ذات واجب تعالی است، بر اساس وسائط و صدورات، به موجب رابطه علی و معلولی بین موجودات به

وجود آمده‌اند و این رابطه علی و معلولی بین موجودات عالم که در نهایت به ذات واجب تعالی منتهی می‌شوند، نشان از ترتیب و اتقان در این نظام هستی است (کاشانی، بی تا، ج 1: 521-493). در جمع بندی کلی، علامه طباطبایی خداوند را موجودی مجرد می‌داند که ذاتش برای خودش حضور دارد و عالم به ذات خود و دیگر موجودات است و هیچ‌گونه حدی در علم او به معلولات وجود ندارد. بنابراین در نظر ایشان هرآنچه که در گسترده هستی به وجود می‌آید همگی ناشی از علم الهی است و واجب تعالی به همه آنها آگاهی دارد⁴ (طباطبایی، 1376: 104). از آن چه گفته شد، می‌توان نظام احسن را براساس علم مطلق الهی چنین تبیین نمود:

خدای سبحان از یک سو، افزون بر علم بعد الایجاد، علم به اشیاء قبل الایجاد هم دارد به این نحو که خدا اشیاء را از طریق صور علمی آنها می‌شناسد و این صور در خدا به صورت حضوری وجود داشته و با ذات او متحداند. از سوی دیگر ذات و فعل در خدای سبحان یکی بوده و علم آن چه بهترین است با انجام بهترین صورت می‌پذیرد و در نتیجه فیضان وجود در بهترین قالب کمالی خواهد بود.

2-2. حکمت و خیر خواهی واجب تعالی

حکمت در رأس علم است و از طریق آگاهی و علم و تدبیر در علوم است که حکمت حاصل می‌شود (بدوی، بی تا: 293). از نظر علامه طباطبایی حکم دلالت بر اتقان و استحکامی دارد که اگر در چیزی وجود داشته باشد اجزایش فاسد و متلاشی از هم نمی‌شود. بر اساس اعتقاد ایشان نظام آفرینش و امور تکوینی از چنین استحکامی برخوردار است و دلیل بر حکمت و علم و خیر خواهی واجب تعالی دارد⁵ (طباطبایی، 1374، ج 7: 164). حکمت واجب تعالی است که اقتضاء می‌کند موجودات به بهترین و استوارترین شکل و در ترتیب و نظم خود آفریده شوند و هیچ ضعف و سستی در

آفرینش آنها وجود نداشته باشد (اردکانی، بی تا: 656). از نظر علامه، از ساحت پروردگار به دور است که عملی بیهوده انجام دهد چرا که واجب تعالی فرمانروای حقیقی عالم، از آن جهت که حق است جز حق را صادر نمی‌کند و محال است که عملی بیهوده و عبث مرتکب شود و خدای دیگر هم وجود ندارد که حکم او را باطل کند و هر موجودی که وجود دارد به بقاء او باقی است و خارج از دایره حکمش نیست (کمال مصطفی، 1384، ج 3: 359-358). از نظر ایشان، فعل و عمل وقتی حق است که در آن خاصیتی باشد و گرنه همچو بازی کودکان جز سرگرمی نتیجه دیگری نخواهد داشت. فعل خدای متعال از آن جهت که حق است دارای هدف و دنباله‌ای است و در غیر این صورت فعل او هم عبث و بیهوده خواهد بود، حال آنکه ذات واجب تعالی هرگونه لغو و بیهودگی را از فعل او به دور می‌کند (طباطبایی، 1374، ج 12: 58-57). ایشان از طریق حکمت الهی، حقانیت و توحید افعالی خداوند را اثبات می‌کند و خداوند را بهترین حاکمی می‌داند که ذاتش میرا از هرگونه نقص است (کمال مصطفی، 1384، ج 1: 620). حکمت خداوند است که ایجاب می‌کند هیچ گونه نقص و ظلمی در این نظام وجود نداشته باشد و جای نقص و شر و بدی به وسیله کمالات و خیر و زیبایی کامل گردد (مطهری، بی تا، ج 1: 144-143). واجب تعالی سرتاسر خیر محض است و خیر خواهی واجب تعالی به این معنی است که او رحمت خود را بر کل جهان آفرینش وسعت داده است، بنابراین رحمت و خیر خواهی خود را بر مخلوقاتش ارزانی داشته و دفع شرور را بر آنها خواسته است (تهانوی، بی تا: 848). خداوند رحمت و اسعه خود را بر بندگانش خواسته و چیزی جز خیر و نیکی را بر آنها اراده نکرده است (جرجانی، بی تا: 48). علامه خیر خواهی و رحمت و اسعه الهی را سبب انتظام عالم انس و جن می‌داند⁶ (طباطبایی، 1374، ج 14: 156). بدیهی است که

واجب تعالی مخلوقش را فقط در جهت کمال و سعادتش هدایت می‌کند و چیزی جز خیر را بر او نمی‌خواهد (اردکانی، بی تا: 656).

2-3. عنایت واجب تعالی

ابن سینا عنایت الهی را ناشی از ذات واجب تعالی می‌داند و معتقد است هر چه از ذات او صادر می‌شود نیکوست و آنچه که در نظام خیر وجود دارد دارای نظم و ترتیب است و در بهترین شکل خود آفریده شده است که همگی از عنایت الهی نشأت یافته است. چرا که عقل ذاتاً مبدأ خیر است و وقتی واجب تعالی نظام خیر را تعقل می‌کند اشیائی ملانم با وجود او که در نهایت خیر و نیکی هستند، به وجود می‌آیند و در نتیجه چنین نظامی به بهترین شکل ممکن تعقل می‌یابند و به وجود می‌آیند (ابن سینا، بی تا: 160-159). نظام احسن همواره مورد عنایت ازلی و ابدی واجب تعالی است و هیچ گاه از رحمت و عنایت او به دور نمی‌ماند (اسفراینی نیشابوری، بی تا: 88) و هر چیزی با رحمت و عنایت اوست که منظوم و مرتب می‌گردد (افلوطین، بی تا: 219). شیخ اشراق هم عنایت الهی را علم حضوری واجب تعالی به موجودات می‌داند که موجب ترتیب و هماهنگی اشیاء شده است و نظام احسن این عالم را سایه‌ای از نظام احسن عالم عقلی می‌داند (قائمی نیا، 1375: 19). ملاصدرا هم عنایت الهی را همان علم واجب تعالی به ذات خود می‌داند که نظام احسن بر اساس رضایت و علم و فاعلیت واجب تعالی نظم و ترتیب یافته و از جانب واجب تعالی فیضان یافته است (ملاصدرا، 1360، ج 7: 57). این فیضان و عنایت واجب تعالی بر موجودات بر اساس علم اوست که هر موجودی بر اساس مرتبه و درجه هستی اش از این فیض بهره‌مند می‌شود (ابن باحه، بی تا: 179). علامه طباطبایی با الهام گیری از سخن ملاصدرا، فاعل

بالعنایه را فاعلی می‌داند که فعل خود را از روی علم و آگاهی انجام دهد. چنین فاعلی اهتمامش به فعل زیاد است و همه منافع آن را لحاظ می‌دارد و قوام عنایت را به فاعلیت و علم به فعل و رضایت می‌داند (طباطبایی، 1387، ج 3: 373-372). از طرف دیگر، ایشان عنایت را آن صورت علمی می‌داند که مربوط به فعل و آفریده است و چون علم تفضیلی واجب تعالی به اشیاء که عین ذات اوست، علت وجود اشیاء با همه ویژگی‌های آن است، بنابراین او نسبت به مخلوقاتش عنایت دارد (همان: 312). از مقایسه این دو مفهوم دریافت می‌شود که مفهوم عنایت در اصطلاح اول مربوط است به فاعلیت و عالمیت و رضایت او و در معنای دوم به صورت علمی است که ایجاد کننده معلوم است (همان: 375-374). از این تعاریف دریافت می‌شود که عنایت جامع علیت و رضایت و علم است و اهتمام و توجه دائمی واجب تعالی را بر موجودات می‌رساند (سجادی، 1372، ج 2: 1374) و عنایت و رحمت واجب تعالی به صورت با واسطه و یا مستقیم بر موجودات و آفریده‌هایش نازل است (فارابی - غازی، بی تا: 56)

کل آنچه که در نظام هستی و در عالم طبیعیات و کون و فساد وجود دارد، از انسان گرفته تا حیوان و درخت و جمادات، با همه ویژگی‌هایشان در لوح محفوظ که همان ام‌الکتاب است منقوش و مصور شده است (شهریزی، بی تا: 129). از این رو لوح محفوظ را همان کتاب نظام موجود که نظامی نیکو و احسن است می‌دانند که در آن ویژگی‌های هر موجودی از صدر گرفته تا ساقه قرار داده شده است (میرداماد، بی تا: 41). علامه طباطبایی در آیه شریفه «الذی احسن کل شیء خلقه»؛ (سجده 7) حسن و نیکویی را لازمه آفرینش و خلقت می‌داند و این دو را جداناپذیر از هم می‌داند. آنگاه که در معنای حسن می‌نگریم، می‌بینیم که منظور از حسن همان موافقت

و سازگاری بین اشیاء است که هدف و غرض خاصی را دنبال می‌کند. بنابراین هر نعمت و حسن و خوبی که در عالم وجود دارد و هر سیئه و هر بدی که بین موجودات برقرار است، منسوب به خدای تبارک است و با همین‌هاست که این نظام با استواری تمام پابرجاست و احسن بودن خود را اثبات می‌کند (طباطبایی، 1374، ج 5: 13-15).

عنایت الهی در نظام احسن، هم عنایت در مقام تکوین را که مربوط است بر آفرینش و هدفمند و غرضمند کردن موجودات و هم عنایت در مقام تشریح را که عبارت است از اهتمام خاص و ویژه واجب تعالی بر هدایت انسان‌ها از طریق قانون‌گذاری و ارسال پیامبران را شامل می‌شود. هر آنچه که در نظام هستی وجود دارد، از ساده‌ترین تا عالیترین آنها، با هدایت عمومی واجب تعالی به سوی کمالات خود در حرکت است و این همان عنایت در تکوین است (مطهری، بی تا، ج 2: 154-155). اما واجب تعالی نسبت به آفریده‌های خاص خود یعنی انسان‌ها، عنایت و اهتمام ویژه‌ای دارد و این همان عنایت در مقام تشریح است که واجب تعالی برای هدایت خاص بندگانش پیامبرانی را که حامل برنامه و قوانین ویژه برای حرکت درست انسان‌ها در این جهان هستی و در زندگی‌اش می‌باشند، فرستاده است. این اهتمام و عنایت ویژه واجب تعالی بر بندگان خاص خود، هدایت خاص نامیده می‌شود و همان عنایت در مقام تشریح است (همان: 155-150).

نتیجه

مسأله نظام احسن یکی از مسائل بنیادی در نظام های الهیاتی به ویژه در حکمت اسلامی به شمار می‌آید. مقصود از نظام احسن این است که جهان موجود که تجلی

لطف و عنایت حق تعالی است، از میان تمام جهان‌هایی که امکان خلق آن‌ها وجود داشته است، بهترین جهانی است که انتخاب شده است و از جهت کمیت و کیفیت، بهتر از آن امکان تصور وجود نداشته است. مبانی نظام احسن عبارتند از؛ علم باری تعالی، حکمت الهی و خیرخواهی محض که این صفات و ویژگی‌ها در حق تعالی باعث می‌شود، تجلی فیض او به هر موجودی به صورت کامل و بهترین شکل باشد. مرحوم علامه طباطبایی، عنایت الهی را بر اساس علم، رحمت و خیرخواهی الهی تبیین نموده و معتقد است واجب تعالی بر اساس حکمت و خیرخواهی خویش جهان خلقت را تدبیر نموده و علم الهی منشأ صدور معلولات، آن هم بر اساس نظم و ترتیب و اتقان است و این بر اساس حکمت و خیرخواهی الهی است که بر هر موجودی غایت و هدفی در نظر گرفته شده و در این غایت چیزی جز خیر و نیکی را که بر اساس مقتضای ذاتی آن موجود است، نخواسته و این از عنایت واجب تعالی است که جامع علیت و رضایت و علم بر موجودات است و بر آنها اهتمام و توجه دائمی دارد و دمی آنها را به حال خود رها نمی‌کند.

پی‌نوشت‌ها

- 1- البته این امری بدیهی است که هر یک از پدیده‌های واقعیت‌دار که در جهان می‌بینیم ابتدا در وجود خود وابسته به واقعیتی هستند، واقعیتی که هر چیزی به واسطه آن دارای هستی می‌شود و تا زمانی که با آن ارتباط دارند، با هستی آن هستند و همین که از آن بریدند نابود می‌شوند. ما این واقعیت ثابت بطلان‌ناپذیر را (واجب الوجود) خدا می‌نامیم که وجود هر موجودی در وهله‌ی اول، وابسته به وجود اوست (طباطبایی، 1388: 102).
- 2- و کیفیه کون علمه سبب بنظام کل.
- 3- فارابی هم علم واجب تعالی را علمی کلی می‌داند که ناظر بر همه اشیاء علم است و کلی بودن علم واجب تعالی بر موجودات به وجود تشبیه می‌کند، چرا که وجود نیز به صورت کلی شامل و جامع به همه موجودات است (فارابی، بی تا: 75-76).
- 4- در (شهدا... انه لا اله الا هو) (آل عمران: 18)، شاهد، گواه و دلیل بر این است که واجب تعالی به ذات خود و لوازم ذاتش و علم و آگاهی دارد و این علم و آگاهی واجب تعالی بر ذاتش و بر ممکنات، زائد بر ذاتش نیست بلکه عین ذاتش است (غفاری، 1380: 267).
- 5- همچنین از نظر علامه طباطبایی حکمت الهی در قرآن کریم به معنای درستکار بودن هم است (طباطبایی، 1388، 47).
- 6- هم چنین علامه خیرخواهی و رحمت واجب تعالی را در بعثت پیامبران (اعراف: 156)، نزول باران (اسراء: 66)، توان یافتن انسان‌ها در تسخیر پدیده‌های طبیعی و آسان‌گیری خداوند نسبت به انسان‌ها (مائده: 3) و پذیرفتن توبه آنها (بقره: 37) می‌داند.

منابع

- قرآن کریم
- اردکانی، احمد بن محمد، بی تا، *مرآت الأسمان* (تحریر شرح ملاصدرا شیرازی)، نشر میراث مکتوب.
- ارسطو، *علم الاخلاق الی بنوماخوس*، بی تا، نشر الأضواء.
- ابن باحه، بی تا، *رسائل الفلسفیه لابن الباحه*، نشر دارالثقافه.
- اسفرائینی نیشابوری، فخرالدین، بی تا، *شرح کتاب النجاه لابن سینا*، نشر آثار و مفاخر فرهنگی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، بی تا، *الشفاء (الاهیات)*، تحقیق سعید زاد، قم، نشر مکتبه آیت الله مرعشی.
- _____، *التعلیقات*، انتشارات مکتبه الاسلامی..
- افلوطین، بی تا، نشر مکتبه لبنان ناشرون.
- بهشتی، احمد، 1383؛ *مقاله‌ی علم عنایی واجب الوجود در حکمت سینوی و نقدی بر آن*، شماره 2، سال اول.
- تهانوی، محمد مهدی، بی تا، *الکشاف الإصطلاحات فنون و علوم*، انتشارات لبنان ناشرون.
- جرجانی، سید الشریف علی بن محمد، بی تا، *کتاب التعریفات*، انتشارات ناصر خسرو.
- دغیم، سمیح، بی تا، *موسوعه مصطلحات علم الکلام اسلامی*، نشر مکتبه لبنان ناشرون.
- _____، *موسوعه مصطلحات امام فخر رازی*، انتشارات لبنان ناشرون.
- سبزواری، 1288ق؛ *اسرار الحکم*، نشر مطبوعات دینی.
- سجادی، سید جعفر، 1372؛ *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- _____، *هادی المصلین*، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- شهرزی، شمس الدین، قرن هفتم هجری، *رسائل الشجره الاهیة فی علوم الحقایق الوبائیة*، نشر موسسه حکمت و فلسفه ایران.
- _____، شرح حکمه الإشراق، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شیرازی، صدرالمآلهین، 1360؛ *شواهد الربوبیه*، تعلیقه ملاهادی سبزواری، انتشارات موسسه تاریخ عربی، بیروت.
- _____، *صانعی دره بیدی*، منوچهر، بی تا، فرهنگ فلسفی، انتشارات حکمت.
- غفاری، سید محمد خالد، 1380؛ *فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق*، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فردریک، مایر، 1374؛ *تاریخ اندیشه‌های تربیتی*، ترجمه علی اصغر فیاض، تهران، انتشارات سمت.
- فارابی، ابونصر، غازانی، اسماعیل، بی تا، *فصوص الحکم و شرحه*، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قائمی نیا، علی رضا، 1375؛ *نظام احسن در اندیشه حکمای اسلام و لایب تنیس*، مجله معرفت، شماره 16.
- کاشانی، فیض، بی تا، *الوافی*، انتشارات کتابخانه امیرالمومنین.
- کریم زاده قراملکی، قربانعلی، 1392؛ *مسأله شر در حکمت و شریعت*، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ اول.
- کمال مصطفی، شاکر، 1384؛ *ترجمه خلاصه تفسیر المیزان*، تهران، چاپ سوم.
- طالبی چاری، محمد جواد، دیرباز، عسگر، 1387ش؛ برگرفته از مقاله تأملی بر نظام احسن از منظر حکمت متعالیه، شماره 22.

- طباطبایی، محمد حسین، 1374؛ ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- _____، 1376؛ تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، انتشارات جامعه مدرسین.
- _____، 1387؛ آغاز فلسفه، ترجمه بدایه الحکمه، قم، انتشارات موسسه بوستان کتاب.
- _____، اصول فلسفه رئالیسم، قم، انتشارات موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.
- _____، 1364؛ اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوم.
- _____، ترجمه و شرح نهایی الحکمه، قم، موسسه بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی.
- _____، 1388؛ بررسی‌های اسلامی، قم، انتشارات موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.
- _____، 388؛ رسائل التوحیدی، قم، انتشارات موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.
- _____، 387؛ روابط اجتماعی در اسلام، قم، انتشارات موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.
- _____، 1388؛ شیعه در اسلام (طبع جدید)، قم، انتشارات موسسه بوستان کتاب، چاپ پنجم.
- _____، 1388؛ شیعه در اسلام (طبع قدیم)، قم، انتشارات اسلامی، چاپ سیزدهم.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، بی تا، تصورات یا روضه التسلیم، انتشارات جامی.

- _____، تلخیص المحصل، نشر الأضواء.
- مطهری، مرتضی، 1358: مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
- میر داماد، محمد باقر، بی تا، جذوات و مواقف، نشر میراث مکتوب.
- هروی، احمد، بی تا، انواریه (ترجمه و شرح حکمه الإشراف سهروردی)، نشر امیر کبیر.